

سنت امداد در زندگی بشر از دیدگاه قرآن

قدرت الله فرقانی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

امدادهای الهی را می‌توان از یک منظر، به امدادهای عام و امدادهای خاص تقسیم نمود. اما دریافت امدادهای الهی، نیازمند زمینه مناسب است که ایمان، تقوا و جهاد در راه خدا را می‌توان در شمار زمینه سازان آن دانست.

اما دیگر شرایط دریافت امداد الهی چیست؟ و آیا امدادهای الهی تنها در این دنیا ظهور و بروز دارند؟

آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام، استقامت در انجام وظایف و عبادات، تهذیب نفس و تکامل روحی را نیز بسترساز ظهور و بروز کمک‌های الهی به انسانها می‌دانند و گویای آن اند که این امدادها در برزخ و قیامت نیز استمرار دارند. مقاله حاضر موارد فوق را بررسی می‌نماید.

کلید واژه‌ها: سنت الهی، امداد، امداد عام، امداد خاص.

معنای واژه‌ها

سنت به معنای سیره، طریقه، طبیعت و راه و روش است^۱ و منظور از آن در بحث سنن الهی قوانینی است که بر حیات فردی و اجتماعی انسانها حاکم است. این سنتها غیر قابل تبدیل و تحویل‌اند؛ چنان که می‌فرماید:

فهل ينظرون إلا سنة الاولين فلن تجد لسنة الله تبديلاً و لن تجد لسنة الله تحويلاً.

(فاطر / ۴۳)

آیا آنان چیزی جز سنت پیشینیان را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.

منظور از غیر قابل تبدیل بودن سنتهای الهی این است که اگر افراد جامعه‌ای مستحق یکی از سنتهای الهی شوند و سرنوشت خاصی درباره آنها قطعیت یابد، امکان ندارد که سرنوشت دیگری بر آنها حاکم شود. و غیر قابل تحویل بودن نیز بدین معناست که اگر سرنوشتی برای قومی خاص قطعی شد، هرگز این سرنوشت به جای این قوم، نصیب قوم دیگر نخواهد شد. یکی از سنتهای الهی، سنت امداد است. «مَدَّ و امداد» آن است که به یک چیز، از نوع خودش اضافه کنیم تا بدین وسیله وجودش امتداد یابد، به گونه‌ای که اگر این اضافه کردن صورت نگیرد، وجودش قطع می‌شود؛ مانند چشمه آبی که از منبع زیرزمینی مدد می‌گیرد و هر لحظه بر آن اضافه می‌شود و در نتیجه جریان آن امتداد می‌یابد.^۲

اینکه خداوند انسان را در عمل دنیایی یا آخرتی امداد می‌کند به همین معناست؛ زیرا آنچه انسان در تحقق عمل خود بدان نیازمند است، مانند علم، اراده، ابزار بدنی و مواد خارجی، که عمل بر آنها واقع می‌شود و عامل با عمل خود در آنها تصرف می‌کند، همگی امور تکوینی‌اند که آدمی در ایجاد آنها دخالتی ندارد و اگر یکی از آنها نباشد عمل انسان تحقق نمی‌یابد. خداوند است که اسباب و زمینه‌ها و نیز خود عامل و نیروهای او را آفریده و هر لحظه به آنها وجود می‌بخشد.^۳

این معنای امداد الهی، معنای فراگیری است که همه اشخاص اعم از مؤمن و کافر و حتی همه اشیای هستی را دربرمی‌گیرد. طبق این سنت، خداوند به همه انسانها مدد می‌رساند تا راه رشد و کمال را طی کنند. البته برخی انسانها از این امدادها بهترین بهره را برمی‌گیرند و به طی مسیر کمال می‌پردازند و خداوند متعال نیز به سبب شکور بودن، امداد مجددی نصیب آنها می‌کند. بنابراین، سنت امداد را می‌توان به دو قسم سنت امداد عام و سنت امداد خاص تقسیم نمود. این تقسیم، برای تبیین این سنت بسیار رهگشااست و ما نیز ادامه بحث را از این منظر بی‌می‌گیریم.

اگر این سنت را نسبت به انسانها در نظر بگیریم - و از سایر موجودات عالم صرف نظر کنیم - بدین معناست که خداوند امکانات رشد و تعالی را برای همه انسانها از هر نژاد و گروه فراهم می آورد و هر کدام را در راه رسیدن به اهدافشان یاری می رساند. خدای متعال در سوره اسراء پس از اینکه از مدد خود به دنیاخواهان و آخرت طلبان خبر می دهد، به یک سنت کلی اشاره نموده، می فرماید:

كَلَّا فَمَا لِهَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِّنْ عَطَاءٍ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا. (اسراء / ۲۰)
 هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می دهیم و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است.^۴

این آیه نشان می دهد که اجرای این سنت الهی به دلیل رحمانیت خداوند است که شامل همه موجودات می شود و اختصاص به گروه خاصی ندارد؛ در حالی که رحیمیت الهی تنها اقتضای امداد خاص به مؤمنان را دارد.

یکی از مصادیق امداد عام، هدایت تکوینی عام و هدایت تشریحی است که برای همه انسانها قرار داده شده است. خداوند به همه انسانها، نعمت عقل عطا نموده و پیامبران را نیز برای هدایتشان گسیل داشته است. دلیل امداد عام بودن این دو نیز آن است که نیاز به شرایط پیشین نداشته، منوط به انجام اعمال خاصی نیست که از رهگذر آنها استحقاق برای افراد پدید آید.

استاد شهید، مرتضی مطهری نیز به برخی دیگر از مصادیق این امداد عام که برای نوع بشر انجام می پذیرد اشاره کرده است. ایشان، مثلاً، دگرگونیهای اجتماعی را که سبب تحول در زندگی بشر شده است از مصادیق این امداد برمی شمارد و می گوید:

اتفاقاً همیشه یا غالباً نوابغی که پیدا شده اند، پیامبران عظیم الشانی مانند ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیه و علیهم که ظهور کرده اند، در شرایطی بوده که جامعه بشریت سخت نیازمند به وجود آنها بوده است. آنها مانند یک دست غیبی از آستین بیرون آمده اند و بشریت را نجات داده اند.^۵

از نظر این شهید بزرگوار، قیام حضرت مهدی (عج) که سبب دگرگونی کلی در زندگی بشر می شود نیز از همین دگرگونیهای اجتماعی است که خداوند برای بشر تدارک دیده است و

سبب می‌گردد زندگی بشر، که به وسیله ساخت انواع بمبهای اتمی و... تا لبه سقوط در پرتگاه نیستی فرو رفته است، نجات یابد و بشریت، زندگی توأم با نشاط و رفاه و عدالت را تجربه کند.^۶

ایشان معتقد است گرچه پیشرفت علوم در سایه تجربه، تفکر و زحمت بشر به دست آمده است، اما همه پیشرفته‌ها منحصر به این راه نبوده و بسیاری از پیشرفته‌های علمی بشر در پرتو امدادهای غیبی بوده است که خداوند علومی را به وسیله الهامات و اشراقات خود بر برخی از دانشمندان آشکار کرده است. شهید مطهری می‌گوید: «شاید اغلب اکتشافات بزرگ از نوع برقی بوده که ناگهان در روح و مغز دانشمند جهیده و روشن کرده و سپس خاموش شده است.» آن شهید بزرگوار سپس برای اثبات مدعای خود، به نقل سخنان تعدادی از دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان می‌پردازد که آنها نیز معتقد به این نوع از امداد بر بشر بوده‌اند.^۷

سنت امداد خاص و شرایط آن

اگر انسانها در بهره‌وری از امدادهای عام الهی راه صحیح بیمایند و امدادهایی چون امکانات به دست آورده و هدایت‌های الهی را در جهت صحیح خود به کار گیرند و با تقوای مناسب که فطرت هر انسان بدان راهنماست، از آنها استفاده کنند، شرایط را برای دریافت فیض و امداد بیش‌تر، یعنی امدادهای خاص مهیا می‌کنند و خداوند، آنان را با کمک‌های تازه خود یاری خواهد کرد. آیات فراوانی از قرآن کریم بر این حقیقت دلالت دارد؛ از جمله:

لئن شكرتم لازیدنکم و لئن کفرتم انّ عذابی لشدید. (ابراهیم / ۷)

ان تنصروا الله ینصرکم و یشیت اقدامکم. (محمد(ص) / ۷)

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا. (عنکبوت / ۶۹)

ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا. (انفال / ۲۹)

این آیات و آیات مشابه دیگر خاطر نشان می‌سازند که امدادهای خاص الهی مانند ازدیاد نعمت، دستیابی به پیروزی و فتح، دسترسی به هدایت‌های ویژه، یافتن بصیرت و نیز نزول نعمتهای آسمانی و زمینی مشروط به شکرگزاری، یاری حق، جهاد در راه خدا و پایبندی به تقوا و ایمان است. تفاوت سنت امداد عام و امداد خاص نیز در همین نکته نهفته است که امدادهای عام، امدادهایی ابتدایی و همگانی است که به استحقاق بندگان بستگی ندارد و خداوند بدون هیچ پیش شرطی آنها را به همه بندگان خود می‌رساند، در حالی که رسیدن به

امدادهای خاص، منوط به رعایت شرایط و اوصافی است که بندگان شایسته خدا و آنان که به اوامر و نواهی الهی می‌اندیشند و در حد توان خود بدانها جامه عمل می‌پوشانند، لیاقت درک آنها را می‌یابند.

در اینجا اگر بخواهیم به شرایط بهره‌مندی از امدادهای خاص الهی اشاره کنیم، باید به موارد ذیل اشاره‌ای گذرا داشته باشیم:

۱. ایمان و تقوا

از شرایط مهم نزول امدادهای الهی بر بشر، ایمان و پایبندی به لوازم آن است که از مهم‌ترین آنها تقواست. قرآن کریم با صراحت یادآور شده است که خداوند، در این جهان و در جهان آخرت مؤمنان را یاری می‌فرماید:

انا لننصر رسلنا والذین امنوا فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الاشهاد. (مؤمن / ۵۱)
در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان بر پای می‌ایستند قطعاً یاری می‌کنیم.

همچنین خداوند وعده داده است که درهای رحمت خود را بر مؤمنان و متقیان خواهد گشود:

و لو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض و لکن کذبوا
فاخذناهم بما کانوا یکسبون. (اعراف / ۹۶)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.

آیات دیگری نیز، تقوا را سبب گشایش در کارها، رسیدن رزق و روزی از جایی که شخص گمان نمی‌برد، و آسان شدن امور دانسته‌اند.^۸

۲. دعا و بازگشت واقعی به خدا

خداوند متعال خود را نزدیک به بندگان خوانده و وعده اجابت درخواستهای آنان را داده است؛ البته به شرطی که آنان، خداوند را بخوانند:

و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان.... (بقره / ۱۸۶)

و هرگاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - به هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم.

در سوره انبیاء نیز، که از اجابت خواسته‌های برخی پیامبران سخن به میان آورده، تصریح کرده است که اجابت آنان به دلیل سرعت گرفتیشان در کارهای خیر و نیز دعای آنان به درگاه خداوند بوده است.^۹ در همین سوره، وقتی دعای خالصانه یونس(ع) را به هنگام گرفتار آمدن در شکم ماهی نقل می‌کند، می‌فرماید که پس از دعای او، او را نجات بخشیدیم و نیز مؤمنین را چنین نجات می‌بخشیم.^{۱۰}

امداد غیبی در جنگ بدر نیز زمانی به فریاد مسلمانان رسید که آنان به درگاه الهی استغاثه کردند:

اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم اني ممدكم بالف من الملائكة مردفين. (انفال / ۹)
 [به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می‌طلبیدید، پس دعای شما را اجابت کرد که: «من شما را با هزار فرشته پیاپی، یاری خواهم کرد.»

از امیر مؤمنان علی(ع) نقل شده که در شب بدر همه خوابیدند جز پیامبر(ص) که شب تا به صبح زیر درختی مشغول نماز و دعا بود.^{۱۱} همچنین هنگام رویارویی دو لشکر در مقابل هم، باز آن حضرت دست به درگاه الهی بلند کرد و چنین عرضه داشت: «الها به وعده پیروزی که به من داده‌ای وفا کن! خدایا اگر امروز این گروه (مسلمان) از بین بروند دیگر روی زمین پرستش نخواهی شد!»^{۱۲}

یکی از مصادیق دعا نیز استغفار و طلب بازگشت واقعی به سوی خداست. در آیاتی از زبان پیامبر اسلام(ص) و دیگر پیامبران وعده داده است که اگر مؤمنان به استغفار و توبه روآورند و خدای را خالصانه بخوانند، در زندگی دنیویشان نیز وسعت حاصل می‌شود.^{۱۳}

سوره نوح(ع)، از زبان آن پیامبر بزرگ می‌فرماید:

فقلت استغفروا ربكم انه كان غفارا ○ يرسل السماء عليكم مدرارا ○ و يمدكم باموال و بنين و يجعل لكم جنات و يجعل لكم انهارا. (نوح / ۱۰-۱۲)
 و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. [تا] بر شما از آسمان باران بی در پی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد.

پیامبر اکرم(ص) درباره امداد در سایه استغفار می‌فرماید:

کسی که فراوان استغفار کند، خداوند برای او از هر مشکلی راه علاج، و برای هر تنگنا، راه نجات قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌رساند.^{۱۴}

۳. جهاد در راه خدا

از دیگر عواملی که سبب نزول امدادهای الهی بر بشر می‌گردد، تلاش در راه خداست. اگر فرد و یا امتی در راه خدا به پا خیزد و نهایت جدیت خود را به خرج دهد، مشمول رحمت الهی می‌شود و امدادهای خاص نصیب او می‌گردد. پیش از این با اشاره به آیات ۶۹ سوره عنکبوت و آیه ۷ سوره محمد(ص) به نقل وعده‌های الهی در این زمینه پرداختیم. قرآن کریم در سوره کهف یادآور می‌شود که پس از تلاش و قیام اصحاب کهف، خداوند به امداد آنان پرداخت و آنان را نجات بخشید:

نحن نقص عليك نبأهم بالحق انهم فتية امنوا بربههم و زدناهم هدى و ربطنا على قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات و الارض لن ندعوا من دونه الها لقد قلنا اذا شططاً.
(كهف / ۱۳ - ۱۴)

ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم، و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که [به قصد مخالفت با شرک] برخاستند و گفتند: «پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند، که در این صورت (که دیگری را بخوانیم) قطعاً ناصواب گفته‌ایم.»

امیر مؤمنان علی(ع) نیز نزول امدادهای غیبی بر رزمندگان را منوط به جدیت آنان در جهاد می‌داند. ایشان، ضمن بیان خاطره خود از جنگهای اولیه با مشرکان، می‌فرماید:

چون خداوند راستی و صداقت ما را دید، دشمن را خوار ساخت و پیروزی را نصیب ما نمود تا آنجا که اسلام بر سرزمین‌ها گسترده شد.^{۱۵}

منظور از راستی و صداقت، همان جدیت و تلاش وافر مسلمانان در آن جنگها بود. البته گفتنی است که نصرت و امداد الهی مختص به جهاد با دشمنان خارجی نیست، بلکه هر کس در راه خدا با نفس خود به مبارزه برخیزد و یا در راه اجرای احکام اسلامی به فعالیت پردازد و در این راه نهایت سعی خود را به کار برد مشمول رحمت و امداد الهی خواهد شد؛ چنان که وعده‌های الهی ذکر شده در صدر بحث نیز مطلق است و شامل هرگونه مجاهدت در راه خدا می‌شود.

۴. صبر و استقامت

در آیات بسیاری از قرآن کریم بر نقش صبر و استقامت در نزول امدادهای الهی تأکید شده است. ۱۶ به عنوان مثال در آیه‌ای می‌فرماید:

بلى ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمدکم ربکم بمخمسة الاف من الملائكة مسؤمین. (آل عمران / ۱۲۵)

آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

البته باید توجه داشت که نزول امدادهای الهی بر اثر عامل صبر و استقامت، تنها درباره جهاد با دشمنان نیست، بلکه هر انسان با ایمانی اگر در برابر انجام معاصی و یا در راه انجام تکالیف الهی استقامت ورزد و یا در مصائبی که به او می‌رسد شکیبایی از خود نشان دهد، مشمول عنایات الهی می‌شود. ماجرای استقامت حضرت یوسف (ع) در برابر هواپرستی زلیخا، نمونه‌ای از این حقیقت است؛ چنان که خداوند، پس از نقل داستان یوسف (ع) و امدادهای خود بر او، تصریح می‌فرماید:

ولما بلغ اشدّه اتیناه حکما و علما و کذلک نجزی المحسنین. (یوسف / ۲۲)

و چون به حد رشد رسید، او را حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.

بنابراین، شمول امداد خاص بر انسانهای نیکوکار، جزو سنن الهی است. داستانهای فراوانی نیز در همین زمینه وجود دارد که بسیاری از انسانهای معمولی نیز با استقامت خود در برابر برخی گناهان، به مقامات معنوی خاصی رسیده‌اند.

عرصه‌های امداد خاص

چنان که امداد عام الهی همیشگی است و همه موجودات را از نظر اصل هستی و کمالاتشان و نیز هدایت عامه تکوینی دربرمی‌گیرد، امداد خاص الهی نیز، که جزئی از آن سنت است، جاودانه و استثناناپذیر است. به همین دلیل اگر شرایط آن - که پیش‌تر برشمردیم - محقق شود، خود امدادها نیز تحقق می‌یابد و این نیز جزو اراده تخلف‌ناپذیر الهی است. خداوند متعال، در آیات متعددی، که پیش از این به ذکر برخی از آنها پرداختیم، به گونه قضیه کلیه به امدادگری‌اش اشاره می‌کند و به عنوان مثال، می‌فرماید: «هر کس تقوا پیشه سازد و صبر

بورزد، خداوند اجر نیکوکاران را از بین نمی‌برد.»^{۱۷} بنابراین امدادهای خاص الهی در همه شرایط زمانی و مکانی می‌توانند محقق شوند و تحقق آنها، بسته به عملکرد انسانهاست که اگر رو به سوی خداوند آورند و او را خالصانه بخوانند و به فرامینش عمل کنند، به طور قطع نصیب آنان خواهد شد. ما در اینجا به دلیل محدودیت بحث به برخی از عرصه‌های امداد خاص الهی اشاره می‌کنیم.

۱. امداد در سختی‌ها و مشکلات فردی

اقتضای لطف و رحمت الهی آن است که هنگام روی آوردن بلا و سختی به افراد و جوامع انسانی بدانان پناه دهد و یاری‌شان کند. البته منظور این نیست که بیدرنگ پس از هر سختی و مشکل، امداد الهی سراغ افراد و جوامع بیاید و آنها را نجات دهد؛ زیرا گاه ابتلای به حوادث و سختیها به مصلحت افراد یا جوامع است، گاهی نیز ابتلا برای بیداری و تنبیه آنان است و در بسیاری از موارد نیز وجود مصایب و مشکلات سبب ساخته شدن فرد و جامعه می‌شود. با این حال، در موارد بسیاری که حکمت الهی اقتضا دارد و افراد به سوی خدا رومی‌آورند و با اولیای الهی را شفیع درگاه او می‌گردانند، امدادها بر آنان نازل می‌شود. این امدادها در زندگی بسیاری از پیامبران و اولیای خدا و نیز در زندگی مؤمنان عادی به وقوع پیوسته است. خداوند متعال، در قرآن کریم به بسیاری از این یاریها بر پیامبران و مؤمنان تصریح نموده است. نجات یوسف(ع) در موارد فراوان، سرد شدن آتش بر ابراهیم(ع)، نجات یونس(ع) از شکم ماهی، بزرگ شدن موسی(ع) به وسیله فرعون و نجات بنی اسرائیل از دست فرعونیان، رهایی اصحاب کهف از دست ظالمان و به خواب رفتن آنان، آگاه شدن پیامبر اکرم(ص) از توطئه قتلش به دست قریش، و نجات در غار ثور از جمله این موارد است.

نمونه‌های این نوع از امداد، بسیار است و با مطالعه کتب تاریخی و نیز زندگی‌نامه بزرگان به بسیاری از آنها می‌توان دست یافت.^{۱۸} هر یک از ما نیز با مراجعه به زندگی خود می‌توانیم تعدادی از این امدادها را پیدا کنیم.

۲. امداد در مشکلات اجتماعی نظیر جنگ

برخی از این امدادها برای نجات جامعه از مشکلات است؛ مثلاً یکی از مشکلات اجتماعی و عمومی جامعه اسلامی، گرفتاری هنگام جنگ و جهاد و مقابله با دشمنان دین خداست. امدادهای الهی در این زمینه - که میان مسلمانان به امدادهای غیبی مشهور شده است - فراوان بوده و مورد تصریح قرآن کریم قرار گرفته است. در اینجا به خلاصه‌ای از این امدادها اشاره می‌کنیم.

الف. امداد به وسیله نزول فرشتگان

از امدادهای الهی، یاری کردن مجاهدان به وسیله فرشتگان است. در آیات قرآن کریم از این امداد، با تعبیر فرو فرستادن جنود و ملائکه یاد شده است.^{۱۹} این فرشتگان در جنگهای بدر، احزاب و حنین به یاری مجاهدان شتافتند. البته در کیفیت یاری رساندن آنان اختلاف است؛ اما به طور قطع، از وظایف آنان، بشارت دادن به مؤمنان و مطمئن کردن قلب آنان بوده است.^{۲۰} ب. آرامش دادن به مؤمنان

یکی از امدادهای غیبی، آرامش بخشیدن به دل‌های مؤمنان مجاهد است تا به هنگام جهاد، از رویارویی با دشمن هراس به دل راه ندهند. از این امداد، با واژه «انزال سکینه» یاد شده است و خداوند در جنگ حنین و بیعت رضوان که مقدمه فتح مکه بود، با این وسیله مسلمانان را یاری کرد.^{۲۱}

ج. ایجاد رعب و وحشت در دل کفار

از عوامل پیروزی مسلمانان در جنگها، ایجاد رعب و وحشت در دل کفار بوده است. خداوند از این عامل، به عنوان امداد یاد می‌کند.^{۲۲} یکی از این موارد، پس از جنگ احد بود که با اینکه بت پرستان مکه به ظاهر پیروز شدند و لشکر اسلام شکست خورد، در دل نیروهای کفرچنان وحشتی افتاد که بدون بازگشت به مدینه و بکسره کردن کار مسلمانان، به مکه برگشتند. نمونه دیگر، پیروزی مسلمانان بر یهود بنی نضیر بود که سبب شد آنان با دست خویش خانه‌های خود را ویران کردند.

پیامبر اکرم (ص) یکی از امتیازات خود را «یاری شدن به وسیله رعب» برمی‌شمارد^{۲۳} و در روایت آمده است که امام زمان (عج) نیز به وسیله رعب و ترس یاری خواهد شد.^{۲۴}

د. عوامل طبیعی چون باد و باران

خداوند گاه به وسیله عوامل طبیعی چون باران یا طوفان و... مؤمنان را یاری می‌رساند.^{۲۵} به عنوان مثال، در جنگ بدر، نزول باران کم در محل استقرار لشکر اسلام سبب محکم شدن زمین شنزار در زیر پای مجاهدان شد و بارش باران شدید در ناحیه استقرار مشرکان، مشکلاتی را برای آنان پدید آورد.^{۲۶} در جنگ احزاب نیز وزیدن طوفان شدید، سبب فرار مشرکان به سوی مکه و رها نمودن محاصره مسلمانان شد.

ه. تصرف در ادراک

خداوند در برخی جنگهای صدر اسلام، در ادراک مسلمانان و مشرکان تصرف کرد، به

گونه‌ای که مسلمانان، مشرکان را کم‌تر از تعداد واقعی دیدند و لذا به جهاد تحریک شدند و از سوی دیگر مشرکان نیز پیش از آغاز جنگ مؤمنان را کم‌تر از تعداد حقیقی دیدند و لذا در پی تجهیزات بیش‌تر نرفتند ولی پس از شروع درگیری، مسلمانان را دو برابر دیدند و ترس و وحشت در دلشان افتاد. خداوند از این امداد در جنگ بدر یاد می‌کند.^{۲۷}

گفتنی است که امدادهای غیبی اختصاص به جنگهای صدر اسلام ندارد و در طول تاریخ، هرگاه مؤمنان با دشمنان دین خدا درگیر شده‌اند و یا مورد تهاجم آنان واقع شده‌اند مورد عنایت خدا قرار گرفته و از امدادهای غیبی بهره‌مند شده‌اند. مواردی از امدادهای غیبی در طول انقلاب اسلامی و بویژه دفاع مقدس به ظهور رسیده است که می‌توان به شاهدان زنده آن مراجعه کرد و یا با مطالعه کتب پیرامون وقایع انقلاب و جنگ بدانها دست یافت.^{۲۸}

۳. امداد در تعالی روحی و معنوی انسانها

از دیگر امدادهای الهی، آن است که خداوند گاه در روحیه و خُلقیات و رفتار و منش مجموعه‌ای از انسانها - که جامعه واحدی را تشکیل می‌دهند - و گاه در روحیه و رفتار و باورهای برخی از افراد تحولاتی را ایجاد می‌کند که سبب رشد سریع‌تر آنان در رسیدنشان به کمال می‌شود. ما شرح این امداد را با دو عنوان تحول در جامعه و تحول در افراد پی می‌گیریم.

الف. تحول در جامعه

چنان که گفتیم، گاه امداد الهی سبب تحول در روحیات یک جامعه می‌شود و آنان را به فضایی از اخلاق متصف می‌سازد. چنین جامعه‌ای رو به سوی خدا می‌آورد و فضایی چون ایثار و گذشت، برادری و برابری و صفا و صمیمیت در آن فراوان می‌شود. در این گونه جوامع، روحیه خدمت‌رسانی به دیگران افزایش می‌یابد و افراد از حرص و بخل و طمع دست می‌کشند و منافع دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند. گویی نمونه‌ای از مدینه فاضله در چنین جامعه‌ای تشکیل می‌شود، همگان پیرو رهبر خود هستند و فرامین او را با جان و دل اجرا می‌کنند. دسترسی افراد به مکارم اخلاقی آسان‌تر و اجرای فرامین الهی نیز با سهولت امکان‌پذیر می‌شود. نمونه‌ای از این امدادگری، در تاریخ صدر اسلام به وقوع پیوست و خداوند، مردم مدینه را که دعوت پیامبر را پذیرفته بودند مورد عنایت خود قرار داد، به گونه‌ای که روحیه اخوت و برادری میان آنان برقرار شد؛ میان کسانی که سالها با هم دشمنی و کدورت داشتند. قرآن کریم می‌فرماید:

واعتصموا بحیل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا وكنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون. (آل عمران / ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

در پرتو این روحیه برادری و گذشت، مسلمانان توانستند در جنگ‌های فراوان بر دشمنان دین خدا پیروز شوند و جامعه دینی‌شان را گسترش بخشند تا حدی که دو امپراتوری بزرگ آن زمان را نیز تهدید کردند و پس از چندی گستره حکومت آنان، بیشتر نواحی خاورمیانه کنونی را فراگرفت.

نمونه دیگری از این امداد، تحول در روحیه مردم ایران در آغاز انقلاب اسلامی بود. مردمی که از رژیم شاه در وحشت و ترس به سر می‌بردند و نمی‌توانستند انتقاد خود از حاکمان را حتی به نزدیکان خود بگویند و مردمی که بسیاری از جوانان آنان در سایه فساد حکومت ستمشاهی به فساد رو آورده بودند، به یکباره به ملتی آهنین مبدل شدند و با کنار گذاشتن روحیه ترس و اضطراب، بر طاغوتیان شوریدند و آنان را از حکومت خلع کردند و حکومت اسلامی را به رهبری امام خمینی (ره) تأسیس نمودند. این تحول در جامعه آن روز، نمونه بسیار آشکاری از امدادهای الهی بود؛ چنان که رهبر کبیر انقلاب اسلامی نیز بارها به آن اشاره می‌کرد و از مردم می‌خواست که قدر این تحول الهی را بدانند. به عنوان نمونه می‌فرمود:

آن تحولی که در ملت پیدا شد که از حال خوف برگشت به حال قدرت، از حال ضعف برگشت به حال قدرت، این تحول، تحول الهی بود. دست بشر امکان ندارد برایش که بتواند در یک ملتی این طور تحول ایجاد کند، هیچ امکان ندارد.^{۲۹}

امام امت همچنین در وصیتنامه سیاسی الهی خود، خطاب به ملت بزرگ ایران می‌فرماید: ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستم‌گران را از ایران کوتاه کرد با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید، اگر نبود دست توانای خداوند، یک جمعیت ۳۶ میلیونی

با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی، مخصوصاً در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنی‌های بی‌حساب قلمداران در مطبوعات و سخنرانیها و محافل ضد اسلامی و ضد ملی به صورت ملیت و آن همه شعرها و بذله‌گویی‌ها و آن همه مراکز عیاشی و فحشا و قمار که همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت میهن عزیز خود فعالیت نمایند، به فساد و بی‌تفاوتی در پیش‌آمدهای خائنانه که به دست شاه فاسد و پدر بی‌فرهنگش و دولتها و مجلسهای فرمایشی که از طرف سفارتخانه‌های قدرتمند بر ملت تحمیل می‌شد، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست بگیرند. بنابراین، نباید شک کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جداست و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه‌ای غیبی بوده که از جانب خدای مٔان بر این ملت مظلوم غارت زده، عنایت شده است.

امام خمینی (ره) همچنین معتقد بود که علاوه بر امداد غیبی مبنی بر تحول روحیه جامعه، خداوند امداد دیگری نیز نصیب ملت نمود و آن فروفرستادن رعب و هراس در دل حاکمان رژیم شاه در اواخر حکومتشان بود؛ به گونه‌ای که آنان با داشتن همه امکانات نظامی و حمایت بین‌المللی برای سرکوب مردم، توان اتخاذ ارادهٔ مقابله با مردم را نداشتند و از این رو پا به فرار گذاشتند و رفتند.^{۳۰}

نمونهٔ دیگر در تحول روحی جامعه، تحول روحی و معنوی ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران بود. در این جنگ، تمامی قدرتهای بزرگ جهان، به همراه اذنان خود، از رژیم فاسد عراق حمایت می‌کردند و اسلحه و مهمات و پول در اختیار آن می‌گذاشتند؛ اما ملت ایران در برابر این تهاجمات، ایستادگی کرد و آنان را به تحمل شکست مجبور ساخت. این عمل ملت نیز مرهون امداد غیبی الهی بود که روحیهٔ مردم را متحول ساخت و جوانان این سرزمین را عاشق شهادت نمود به گونه‌ای که در شهادت‌طلبی از هم سبقت می‌گرفتند. امام خمینی می‌فرمود:

این ملت را خدای تبارک و تعالی با دست عنایت خودش و با قدرت کاملهٔ خودش قدرتمند کرد و متحول کرد به انسانهای الهی؛ انسانهایی که برای خدا قیام کردند و برای خدا ادامه می‌دهند. برای خدا در جبهه‌ها جنگ می‌کنند... و این قدرت خدای تبارک و تعالی است که جوانهای ما را عاشق شهادت کرده است.^{۳۱}

و نیز در جای دیگر می‌فرماید:

ملت عزیز و قوای مسلح رزمنده در طول این انقلاب و این جنگ لمس نموده‌اند که اگر مددهای الهی و عنایات خاص خداوند قادر نبود، هرگز در ما قدرت مقابله با رژیم شیطانی تا دندان مسلح و متکی به قدرتهای جهانی نبود، ولی از آنجایی که ملت با تحولی الهی به انقلاب اسلامی متکی به معنویات دست زد، توانست آن قدرت بزرگ منطقه را در هم بشکند و در جنگ نابرابر از حیث تسلیحات و کمکهای بی‌دریغ شرق و غرب و منطقه، این همه پیروزیهای اعجاز‌آمیز را نصیب ایران و اسلام نماید.^{۳۲}

ب. تحول در روحیه ایمانی افراد

یکی از امدادهای الهی بسیار مهم و مبارک، امداد در تحول روحیه ایمانی افراد است. خداوند گاه با امداد و عنایت خود، چنان تحولی در روحیه و افکار برخی از افراد پدید می‌آورد که آنان از درون متحول می‌شوند و از خواب غفلتی که بسیاری از مردم را فرا گرفته است، بیدار شده، به فکر اصلاح نفس و رفع عیوب و کاستی‌هایشان می‌افتند. دنیا و زندگی دنیوی در دید این افراد عوض می‌شود و آنان دیگر دنیا را هدف نهایی خود نمی‌بینند و به این باور می‌رسند که دنیا کشتزار آخرت است و باید از آن در این راه نهایت بهره را برد. این گروه دیگر دنیا را بهشت آمال و آرزوهای خود نمی‌بینند و خود را سرگرم لذات زودگذر آن نمی‌کنند، بلکه به ابدیت می‌اندیشند و می‌خواهند به هدف اصلی از خلقت خود نائل شوند. امدادهای الهی درباره این افراد، دارای مراحل و صورتهای گوناگون است که در اینجا به شرح برخی از آنها می‌پردازیم.

۱. یافتن حالت یقظه و بیداری از خواب غفلت

انسانها در جهان مادی متولد می‌شوند و در آن رشد می‌کنند و برای برآوردن نیازهای اولیه خود به کوشش و تلاش می‌پردازند. این کوشش فراوان و سر و کار داشتن مداوم با جهان طبیعت، انس انسان را نسبت به زندگی مادی، روز به روز بیش‌تر می‌کند تا جایی که این توهم در خیال برخی پدید می‌آید که جز برآوردن نیازهای مادی خود، نباید هدفی داشته باشند. در این میان، شرایع الهی برای هدایت انسان ظاهر می‌شوند و رهنمودهایی برای فراموش نمودن جهان آخرت و زندگی ابدی انسان ارائه می‌کنند. در این زمان، انسانهایی نیز به این تعالیم می‌گروند و به انجام دستورات آنها همت می‌گمارند؛ اما مشکل آن است که چه

بسیار از همین افراد گمان می‌کنند اخذ ظواهر این دستورات - بدون دقت در هدف و باطن آنها - می‌تواند رهگشای آنان باشد. اینان در مباحث اعتقادی و تعالیم و حیاتی نیز تعمق لازم را مبذول نمی‌دارند و به ظواهری از اعتقادات اکتفا می‌کنند. بنابراین نگرش اینان به دین سطحی می‌شود و به اهدافی هم که برای اعمال دینی مورد نظر ادیان بوده است، نمی‌رسند. در این مرحله، امداد الهی سراغ افراد می‌آید و کسانی را که خالصانه در پی طلب دین بوده‌اند و در این راه توان خود را به کار گرفته‌اند، دستگیری می‌نماید و از قشر اندیشی و ظاهریبیی نجات می‌دهد و آنان را متنبه می‌کند. به اینان می‌فهماند که در کنار انجام وظایف دینی‌شان، به فلسفه آنها نیز باید توجه کنند و اعمالشان را به گونه‌ای انجام دهند که به غرض اصلی از تشریح آنها نایل آیند. مثلاً با اینکه نماز را به طور صحیح بجا می‌آورند، به هدف اصلی آن که ارتباط روحی با پروردگار عالمیان است نیز توجه کنند و در پرتو نماز، مراحلی از عبودیت را در نفس خویش تحقق بخشند. همچنین در بحث اعتقادات نیز به شناخت حصولی از حقایق عالم بسنده نکنند، بلکه این عقاید را به مرحله باور و قلب برسانند و مثلاً در بحث توحید، تنها به شناخت اجمالی حق تعالی اکتفا نکنند، بلکه مراحلی از ارتباط این عالم با عالم ربوبی را نیز درک نمایند و به مراحلی از توحید افعالی و صفاتی راه یابند.

بیداری این گروه از خواب غفلت و تنبه نسبت به باطن عالم، گاه در پرتو شنیدن آیاتی از قرآن کریم، روایتی از معصومان، کلام حکمت‌آمیزی از بزرگان، شنیدن شعری دلنشین و یا رؤیت خواب صادقانه‌ای پدید می‌آید و گاه نیز توفیق دیدار با ولی‌ای از اولیای خدا، خواندن وصیت‌نامه‌ای از شهدا، تشییع جنازه‌ای، فقدان دوستی و یا وقوع حادثه‌ای در زندگی آن را پدید می‌آورد.

این گروه موفق می‌شوند به بسیاری از آیات قرآن کریم، جامه عمل بپوشانند. اینان تصمیم می‌گیرند که به فرمان «ایمان آورید» خطاب به مؤمنان عمل کنند تا شامل رحمت و نوری شوند که خداوند به آنها وعده داده است.^{۳۳} می‌خواهند به فرمان الهی مبنی بر قیام برای اصلاح نفس تحقق بخشند^{۳۴} و خود و اهلسان را از آتش دوزخ نگاه دارند^{۳۵}، اراده کرده‌اند که به خودسازی و خودشناسی بپردازند تا از گمراهی دیگران آسیب نبینند^{۳۶} و می‌خواهند از مرحله اسلام به ایمان منتقل شوند و درجات ترقی ایمان را طی کنند و از ظاهریبیی به باطن‌شناسی و آخرت‌طلبی روآورند؛ زیرا حیات واقعی را همان حیات آخروی می‌دانند.

امیر مؤمنان (ع) در سخنان خود به این گروه اشاره دارد که امداد الهی شامل حالشان شده و آنان با نور بقطه، بیدار گشته‌اند و با پروردگار خود سر و سری دارند:

وَمَا يَرِحُ لِلَّهِ - عَزَّتْ أَلْوَاهُ - فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي أَرْزَانِ الْقَتَرَاتِ، عِبَادُ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلِمَتِهِمْ فِي ذَاتِ عُقُوبِهِمْ. فَاسْتَضَبُّوا بِنُورِ يَقْظَةٍ فِي الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْئِدَةِ يُذَكِّرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَ يُخَوِّفُونَهُ مَقَامَهُ بِمِثْلَةِ الْأَدْلَةِ فِي الْقَلَوَاتِ... ۳۷

در دورانه‌های مختلف روزگار و در دوران جدایی از رسالت [تا آمدن پیامبری پس از پیامبر دیگر] همواره خداوند، بندگانی داشته که با آنان در گوش جانشان زمزمه می‌کرد و در درون عقلشان با آنان سخن می‌گفت. آنان چراغ هدایت را با نور بیداری در گوشها و دیده‌ها و دلها برمی‌افروختند، روزهای خدایی را به یاد می‌آوردند و مردم را از جلال و بزرگی خدا می‌ترساندند. آنان نشانه‌های روشن خدا در بیابان‌هایند.

۲. توفیق توبه

پس از آنکه در پرتو امدادهای الهی، شخص از خواب غفلت بیدار شد و به فکر اصلاح امور خود افتاد، اولین قدم، مرحله توبه است که باید از آنچه تاکنون انجام داده و اشتباه بوده است، توبه نماید و بکوشد گذشته را جبران کند و از این به بعد مطابق وظیفه اصلی خود عمل نماید. اما همین توبه نیز در پرتو امداد الهی میسر است و به فرموده قرآن کریم، باید مسبوق به توبه خداوند بر بنده باشد؛ یعنی خدای متعال به سبب لطف خود، بر بنده‌اش تفضل کند و به او توفیق توبه را عنایت نماید؛ همچنان که پس از توبه نیز، خداوند متعال باید توبه او را بپذیرد، یعنی توبه بنده مقرون به دو عمل از سوی خداوند است، ابتدا اعطای توفیق توبه و سپس پذیرش توبه. ۳۸ خداوند در باره توبه سه نفر از متخلفان جنگ تبوک، می‌فرماید:

... ثم تاب عليهم ليتوبوا إنَّ الله هو التواب الرحيم. (توبه / ۱۱۸)

پس خداوند به آنان [توفیق] توبه داد، تا توبه کنند. بی‌تردید خداوند همان توبه‌پذیر مهربان است.

و در یک نگرش کلی، نه فقط اعطای توفیق توبه، که توفیق هرگونه طهارت و پاکی و اصلاح عیوب نفس، امداد و تفضلی از سوی خداوند متعال است؛ چنان‌که می‌فرماید:

... و لو لا فضل الله عليكم و رحمته ما زکی منكم من احدٍ ابداً و لكن الله یزکی من

یشاء والله سميع عليم. (نور / ۲۱)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد؛ ولی خداست که هر که را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا، شنوای داناست.

و اگر بنده‌ای به راستی قصد توبه کند و خود را خاشع در پیشگاه پروردگار عالم قرار دهد، خداوند نیز به مدد او می‌آید و همه اشیای عالم را در خدمت او قرار می‌دهد. خداوند متعال در حدیث معراج می‌فرماید:

وَمَا خَشَعَ لِي عَبْدٌ إِلَّا خَشَعَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ. ۳۹

هیچ بنده‌ای برای من تواضع و فروتنی نکرد مگر این که همه اشیا برای او فروتنی کردند.

یکی از عرفا نیز می‌گوید:

اگر تو برای خدا قیام کنی، تمام عوالم خلقت راهنمای راه تو هستند. چون کمال آنها در فنای تو می‌باشد، آنها می‌خواهند آنچه را در فطرت دارند، تحویل دهند، تا به کمال واقعی برسند. اگر انسان برای خدا قیام کند، همه عوالم وجود سر راه او صف می‌کشند تا آنچه را خود دارند به او عرضه کنند و راهنمای او باشند. ۴۰

۳. اعطای روحیات و معنویات و معارف خاص

اگر کسی پس از آنکه موفق به انجام توبه واقعی شد، به انجام وظایف خود به طور خالصانه مشغول گردد و در همه کارها و اولویت‌هایش، رضای خدا را در نظر بگیرد و اعمال و کردار خود را مطابق دستورات الهی که در شریعت اسلام آمده است، انجام دهد، خداوند او را به وسیله روحیات و معنویات خاصی مدد می‌رساند و از معارف ویژه‌ای بهره‌مند می‌سازد. برخی از این روحیات عبارتند از:

الف. دل‌گندن از دنیا

در حدیث معراج که بیان مواعظ الهی به پیامبر اکرم (ص) است، به این حقیقت اشاره شده که اگر بنده‌ای خواست خداوند را بر خواسته‌های خود ترجیح دهد و در پی رضایت حق باشد و شبانه روز در حال مراقبه به سر ببرد، خداوند به او عنایات خاصی خواهد کرد که از جمله این عنایات آن است که دل از دنیا می‌کند و به سوی حق رو می‌آورد: ۴۱

دنیا را بر او تنگ می‌گیرم و لذات دنیا را در نظر او منفور جلوه می‌دهم و او را از دنیا و آنچه در آن است برحذر می‌دارم همان‌گونه که چوپان، گوسفندانش را از چراگاههای خطرناک دور می‌کند. ۴۲

پیامبر اکرم(ص) نیز در تفسیر شرح صدر که از عنایات الهی به بندگان مؤمن است، می‌فرماید: آن نوری است که از جانب پروردگار بر قلب مؤمنان می‌تابد و آن را روشنایی و وسعت می‌بخشد و علایم آن نور، سه چیز است:

الَّتِجَافِي عَنْ دَارِ الْفُزُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالْإِسْتِعْذَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِهِ. ۴۳

دل کندن از سرای فریب [دنیا] و رو آوردن به سوی سرای جاودان و آمادگی یافتن برای مرگ، پیش از آمدن آن.

بدیهی است که منظور از دل کندن و تجافی، عدم استفاده از امکانات دنیوی در راه آخرت طلبی نیست، بلکه منظور عدم دلبستگی به دنیا و مظاهر فریبنده آن است.

ب. شوق ثواب و لقاء الهی و ترس از عقاب

امیرمؤمنان علی(ع) در خطبه همام به این ویژگی متقیان اشاره فرموده که اگر اجل مقدر آنان نبود، به خاطر شوق به ثواب و لقاء الهی و ترس از گرفتاری به عذاب، در دم جان می‌سپردند. در سوره انبیاء نیز تصریح شده است که اینان پروردگارشان را با شوق و خوف می‌خوانند:

... انهم كانوا يسارعون في الخيرات و يدعوننا رَغْبًا و رَهْبًا و كانوا لنا خاشعين.

(انبیاء / ۹۰)

آنان همواره در کارهای خیر به سرعت اقدام می‌کردند و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند و پیوسته برای ما خاشع بودند.

ج. لذت بردن از مناجات

از عنایات الهی به بنده‌ای که مطابق رضا و خواست الهی عمل می‌کند، آن است که به او محبتی می‌بخشد که با وجود آن، محبت مخلوقین را بر خدای متعال ترجیح نمی‌دهد و پس از آن، مورد نجوای الهی قرار می‌گیرد و خداوند با او مناجات می‌کند و در نتیجه او نیز به مناجات با پروردگارش مشغول می‌گردد.

پس کسی که به رضای من عمل کند، سه خصلت به او می‌دهم. شکری به او می‌آموزم که جهل به همراهش نباشد و ذکری که فراموشی نداشته باشد و محبتی که با آن، محبت مخلوقین را بر محبت من ترجیح ندهد. و چون مرا دوست داشت، او را دوست می‌دارم و چشم دل او را برای تماشای عظمت و جلالم باز می‌کنم پس علم هیچ یک از خواص خلق

خودم را بر او پوشیده نگذارم پس در تاریکی شب و روشنی روز با او مناجات می‌کنم تا آنکه از لذت مناجات من، سخنش با مردم و هم‌نشینی‌اش با آنها بریده شود، و کلام خودم و فرشتگانم را به گوش او برسانم و سزای را که از خلقم پنهان داشته‌ام به او بشناسانم.^{۴۴}

مکالمه و مناجات با خدا تا آنجا دل آنان را به خود مشغول می‌دارد که حتی در بهشت نیز به ذکر و کلام خدا و سخن گفتن با خدا اشتغال پیدا می‌کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

و به ایشان در هر روز هفتاد بار نظر می‌کنم و در هر نظر، با آنان سخن می‌گویم و بر مُلک آنان هفتاد برابر می‌افزایم. و زمانی که اهل بهشت به وسیله طعام و شراب لذت می‌برند، اینان با یاد من و سخن من لذت می‌برند.^{۴۵}

د. یافتن شرح صدر

از دیگر امدادهای الهی، عطای شرح صدر به مؤمنان است. قرآن کریم می‌فرماید:

افمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله اولئك في ضلال مبين. (زمر / ۲۲)

پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده قرار داده و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می‌باشد [همانند فرد تاریکدل است]؟ پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی‌کنند، اینانند که در گمراهی آشکارند.^{۴۶}

علامه طباطبایی (ره) در بیان معنای شرح صدر می‌نویسد:

و شرح صدر به معنای گشادگی سینه است، تا ظرفیت پذیرفتن سخن را داشته باشد و چون شرح صدر به خاطر اسلام است و اسلام عبارت است از تسلیم در برابر خدا و آنچه او اراده کرده و او هم جز حق را اراده نمی‌کند، در نتیجه شرح صدر برای اسلام، به این معنا خواهد بود که انسان وضعی به خود بگیرد که هر سخن حقی را بپذیرد و آن را رد نکند.^{۴۷}

و به همین دلیل، بندگان مورد عنایت قرار گرفته، با رویی گشاده به استقبال سخن دیگران - هر چند انتقادآمیز باشد - می‌روند و با سعه صدر، مشکلات را تحمل می‌کنند و سخنی حاکی از ناسپاسی بر زبان جاری نمی‌کنند.

ه. دارای قلبی شنوا و بینا می‌شود

منظور از قلب، مرکز ادراکات و احساسات آدمی است. خداوند به بندگان مؤمن‌اش که همه کارهایشان را در جهت رضای او قرار دهند، بصیرتی عنایت می‌کند که چشم و گوش

آنان حق بین و حق شنو می شود و کارشان بدانجا می رسد که آنها مجری اراده حق می گردند و همه اعمالشان به حق متصف می گردد.

در حدیث مشهور به قرب نوافل، پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که خداوند متعال فرمود:

وَمَا تَقْرُبُ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالثَّأْفَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ...^{۴۸}

هیچ بنده ای به وسیله چیزی همانند آنچه بر او واجب کرده ام به من تقرب نمی جوید، و به درستی که به وسیله نوافل و مستحبات به من آنقدر نزدیک می شود که من هم او را دوست دارم و چون او را دوست داشتم گوش او می شوم که با آن می شنود، و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می شوم که با آن سخن می گوید و دست او می شوم که با آن حمله می کند، اگر مرا بخواند اجابتش می کنم و اگر از من چیزی سؤال کند به او عطا می کنم.

و در حدیث معراج نیز، خداوند در سه عبارت می فرماید:

أَجْعَلُ قَلْبَهُ وَاعِيًا وَبَصِيرًا.

دلش را شنوا و بینا فرار می دهم.

وَلَا سْتَعْرِقَنَّ عَقْلَهُ بِعِرْفَتِي وَلَا تَقْرَمَنَّ لَهُ مَقَامَ عَقْلِهِ.^{۴۹}

و عقل او را با معرفت خود سرشار می کنم و خود جای عقل او را می گیرم.

أَفْتَحْ عَيْنَ قَلْبِهِ وَسَمِعِهِ حَتَّى يَسْمَعَ بِقَلْبِهِ مِنِّي وَيَنْظُرُ بِقَلْبِهِ إِلَيَّ جَلَالِي وَعَظَمَتِي.

چشم و گوش دلش را می گشایم تا این که به وسیله دلش از من بشنود و به جلال و عظمت من بنگرد.

البته امدادهای الهی در همین مورد نیز مراتبی دارد، که از مراتب والای آن، عبور بنده از حجب نورانیه است تا جایی که انسان موحد کامل شود و ارتباط همه حقایق جهان را با ذات الهی درک کند و به ملاقات خدا نایل آید.

ائمه (ع) در مناجات شعبانیه از درگاه الهی تقاضا می کردند:

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَيْزَ أَبْصَارِ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ الثُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مَعْلَقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ.^{۵۰}

خداوند! کمال انقطاع به درگاهت را به من ببخش و دیده‌های دلهای ما را به تابش نظر خود روشن نما تا دیده‌های دل پرده‌های نور را ببرد و به سرچشمه عظمت برسد و ارواح ما به مقام قدس و عزت برسد.

و نیز درخواست می‌کردند:

إِلَهِي وَ الْحَقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْإِبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ غَارِفًا وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا.

خداوند! مرا به نور عزت فروزنده‌ات پیوند ده تا تو را بهتر بشناسم و از غیر تو جدا شوم و از تو بترسم و مراقب باشم.

و خداوند متعال در قرآن کریم، از الطاف خود به بندگان که آنان را با حقایق عالم هستی آشنا کرده است سخن می‌گوید و مثلاً درباره حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید:

و كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ. (انعام / ۷۵)
و اینچنین ملکوت آسمانها و زمین [و حکومت مطلقه خداوند بر آنها] را به ابراهیم نشان دادیم، و تا اهل یقین گردد.

و یا در دستورالعمل کلی به همه مؤمنان بشارت می‌دهد که اگر خواستار لقای الهی - بالاترین مرتبه قرب به حق - می‌باشید، این‌گونه عمل کنید:

... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.

(کهف: ۱۱۰)

پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

بنابراین رساندن این امدادها به بندگان، از بزرگ‌ترین الطاف الهی است که در مورد پیامبران و امامان و بندگان مخلص و صدیق محقق شده و به دیگران نیز نوید آن داده شده است.

۳. امداد در جهان آخرت

سنت امداد در زندگی بشر، منحصر در دنیا و زندگی دنیوی بشر نیست، بلکه این امدادها همچنان در جهان آخرت نیز وجود دارد و چه بسا نیاز انسان به الطاف و کمک‌های خداوند

در آن جهان بسیار بیش‌تر از این جهان مادی است؛ زیرا بشر محتاج عنایتهای الهی است و اگر تفضل و رحمت خداوند شامل حال کسی نشود، هیچ راه نجاتی برای او میسر نیست. در اینجا برخی از امدادهای الهی در جهان آخرت را ذکر می‌کنیم:

الف. امداد هنگام انتقال از این جهان به جهان آخرت، که از لحظات احتضار شروع می‌شود. این امدادها هنگام جان دادن، رؤیت ملائکه الهی و ورود به عالم قبر و برزخ همچنان ادامه دارد.

ب. امداد در جهان برزخ و برای رهایی از عذابهای برزخی.

ج. امداد در قیامت که صحنه بسیار هولناکی برای بیش‌تر مردم است.

د. امداد به وسیله بخشش گناهان و نیز اذن به گروهی برای شفاعت و سپس پذیرش شفاعت آنان.

ه. امداد به وسیله نعم بهشتی؛ نعمی که هرگز به خاطر کسی نیز در نمی‌آید.

و. امدادهای معنوی در بهشت، نظیر تکلم بهشتیان با خداوند و نظر به وجه الهی.

جمع‌بندی

یکی از سنن الهی، سنت امداد است که همه موجودات جهان را دربرمی‌گیرد؛ اما نسبت به انسان، همین سنت بر دو قسم امداد عام و امداد خاص است. امداد عام همگانی است؛ ولی نزول امداد خاص منوط به نحوه عملکرد انسانهاست؛ یعنی در صورت استفاده صحیح از امدادهای عام و فراهم آوردن شرایط نزول امدادهای خاص، این امدادها نصیب انسانها می‌شود.

امدادهای خاص در سختیها و مشکلات فردی و اجتماعی به یاری مؤمنان می‌آید. همچنین این امدادها در تعالی روحی و معنوی انسانها نیز بسیار مؤثرند و خداوند، برای اینکه مؤمنان به درجات بالاتری از ایمان دست یابند، آنان را به وسیله برخی از امدادهای ویژه، یاری می‌کند.

ظرف ظهور امدادهای خاص الهی، فقط دنیا نیست و خداوند متعال در آخرت نیز مؤمنان

را مشمول عنایتها و امدادهای خود می‌گرداند.

پی‌نوشتها:

۱. المنجد، ص ۳۵۳.
۲. المفردات، راغب اصفهانی.
۳. المیزان، ج ۱۳، ص ۶۶.
۴. ونیز ر. ک. شوری، آیه ۲۰.
۵. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۵۴.
۶. همان، ص ۳۵۶ - ۳۶۳.
۷. همان، ص ۳۵۴ - ۳۵۲.
۸. ر. ک. سوره طلاق، آیات ۲ - ۴؛ لیل، آیات ۵ - ۷؛ انفال، آیه ۲۹.
۹. ر. ک. سوره انبیاء، آیه ۹۰.
۱۰. همان، آیه ۸۸.
۱۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۲۷.
۱۲. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۳۲۱.
۱۳. ر. ک. سوره هود، آیات ۳ و ۵۲ و ۶۱ و ۹۰.
۱۴. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۴.
۱۵. نهج البلاغه، خطبه ۵۵.
۱۶. برای مثال. ر. ک. اعراف، آیه ۱۳۷؛ انفال، آیات ۶۵ - ۶۶؛ فصلت، آیه ۳۰؛ جن، آیه ۱۶؛ انفال، آیه ۴۵ و ۴۶؛ بقره، آیه ۲۴۹ و انعام، آیه ۳۴.
۱۷. یوسف، آیه ۹۰.
۱۸. در کتاب امدادهای غیبی نوشته محمد درگاه‌زاده، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ص ۹۷ تا ۱۰۷ تعدادی از این امدادها نقل شده است.
۱۹. آل عمران، آیات ۱۲۴ - ۱۲۵؛ انفال، آیه ۹؛ توبه، آیه ۲۶ و احزاب، آیه ۹.
۲۰. ر. ک. آل عمران، آیه ۱۲۶ و انفال، آیه ۱۰.
۲۱. ر. ک. توبه، آیه ۲۶ و فتح، آیات ۴ و ۱۸.
۲۲. ر. ک. انفال، آیه ۱۲؛ آل عمران، آیه ۱۵۱؛ حشر، آیه ۲ و احزاب، آیه ۲۶.
۲۳. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۱۳.
۲۴. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۹.
۲۵. ر. ک. انفال، آیه ۱۱ و احزاب، آیه ۹.
۲۶. ر. ک. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۲۱.
۲۷. ر. ک. آل عمران، آیه ۱۳ و انفال، آیه ۴۴.
۲۸. برای نمونه می‌توانید به کتاب عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، علی تقی‌زاده اکبری، چاپ پژوهشکده

تحقیقات اسلامی، ص ۲۱۱ تا ۲۶۹ و نیز کتاب امدادهای غیبی، محمد درگاهزاده، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ص ۱۰۸ تا ۱۲۳ مراجعه کنید.

۲۹. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۷۶. و نیز ر.ک. همان، ج ۹، ص ۱۹؛ ج ۵، ص ۸۹؛ ج ۱۱، ص ۸۸؛ ج ۸، ص ۱۵۱ و ۵۵ و ج ۱۲، ص ۲۷۸ و ۳۷۹.

۳۰. ر.ک. صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۵۲ - ۱۵۳ و ص ۱۷۳؛ ج ۱۱، ص ۱۸ - ۱۹ و ج ۱۳، ص ۳۳.

۳۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲۸.

۳۲. همان، ج ۱۷، ص ۲۰۰.

۳۳. نساء، آیه ۱۳۶ و حدید، آیه ۲۸.

۳۴. سبأ، آیه ۴۶.

۳۵. تحریم، آیه ۶.

۳۶. مائده، آیه ۱۰۵.

۳۷. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰.

۳۸. ر.ک. المیزان، ج ۱، ص ۱۳۳.

۳۹. سر الاسراء، ج ۲، ص ۲۳.

۴۰. کیمیای محبت، محمد محمدی ری شهری، ص ۱۹۵. (نقل کلام شیخ رحیمعلی خیاط)

۴۱. گفتنی است شرح این حدیث شریف در دو جلد تحت عنوان «سر الاسراء» تألیف علی سعادت پرور چاپ شده است. ترجمه فارسی آن نیز «سیری به سوی انسانیت» نام دارد. مراجعه به آن برای مریدان گرانقدر اهمیت بسیاری دارد.

۴۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۸.

۴۳. تفسیر کنز الدقایق، ج ۱۱، ص ۲۹۷ و نیز ر.ک. روضة الواعظین، ص ۴۴۸.

۴۴. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۸ - ۲۹.

۴۵. همان، ص ۲۳.

۴۶. و نیز ر.ک. انعام، آیه ۱۲۵.

۴۷. ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۳۸۷.

۴۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۲؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۲.

۴۹. این جمله در نسخه مرحوم فیض در ارشاد القلوب است. ر.ک. سر الاسراء، ج ۱، ص ۲۵.

۵۰. ر.ک. مفاتیح الجنان.